


Telar and Gesansereh: Types of Pastoral Heritage in Angahrood, Noor

Fatemeh Roudi * 

Master's student in Architectural Heritage Conservation and Restoration, Iran University of Science and Technology (IUST), Tehran, Iran

Hosein Raie 

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology (IUST), Tehran, Iran

Asghar Mohammad Moradi 

Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology (IUST), Tehran, Iran

1. Introduction

Animal husbandry has been practiced for thousands of years in various forms, including nomadic herding, rural herding, and the use of forest and mountain pastures. Livestock pastures contribute to agricultural and livestock development and play a crucial role in the survival of many small and large biological communities.

The concept of pastoral heritage is gaining prominence within the specialized field of agricultural-livestock heritage. It encompasses various aspects, including cultural landscapes, intangible associations, and traditional shepherding practices closely linked to the environment and based on the subtle interaction between humans and landscapes. Historical pastoral landscapes manifest not in a single structure or resting place for livestock, but in an integrated network within rangelands, consisting of elements such as paths, passages, bridges, cottages, storage facilities, waterways, boundaries, and communication channels between villages, springs, and rivers. In Mazandaran's Baladeh Valley in Noor, structures like Telar and Gesansereh are used for maintaining and breeding livestock across different seasons. Historically, these structures were biologically and economically optimal, meeting livestock needs in areas such as heating, ventilation, lighting, water, feed, welfare, and reproduction.

The research problem is the need to document the architectural and cultural features of these indigenous architectural elements. Factors such as migration and the shift from traditional to industrial livestock farming have led to the decline and neglect of this indigenous heritage. This article aims to document the indigenous knowledge

* **Corresponding Author:** fatemeh_roudi@arch.iust.ac.ir

How to Cite: Roudi, F; Raie, H; Mohammad Moradi, A. (2025). Telar and Gesansereh; Types of native architecture in Angahrood Noor, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 12(23), 185-212.

embedded in these structures by answering two questions regarding the physical and functional characteristics of Gesansereh and Telar and their interrelationship. Therefore, a descriptive-analytical method and targeted sampling are employed.

2. Findings

Livestock herders possess skills in rangeland use that stem from their inherited experiences and indigenous knowledge. The village of Angahrood, located in the Uzrud district of Baladeh, Noor County, is architecturally and culturally significant due to its traditional seasonal livestock system. The people of this area are vertical transhumant herders who also engage in agriculture alongside pasturing and livestock rearing; they can be described as semi-nomadic farmer-herders. The traditional livestock system in these areas is divided according to three seasonal rangelands: winter, summer, and intermediate (*miyānbandī*). Correspondingly, the associated structures comprise three architectural types, which vary based on geographical location, landform, construction materials, and structural type. These three architectural types are:

- a) Summer Gesansereh: open-air for livestock with a covered section for the herder, used in summer.
- b) Winter Telar: built with river stones and fully covered, used in winter.
- c) Temporary livestock bridges: used in the intermediate seasons of spring and autumn. The bridges serve for grazing and rest during the day and are unused at night.

3. Conclusions

Gesansereh and Telar are two important elements in the pastoral heritage of Angahrood, demonstrating adaptation to the region's climate and culture. Although both structures share functional and physical similarities, closer examination reveals differences in their formative principles and functional-physical characteristics. The Telar is a structure made of clay and stone, used for sheltering livestock during cold periods, especially winter. The Gesansereh is a pastoral structure of dry-stone masonry, used for summer and warm seasons. Given its environmental function, the Gesansereh provides a semi-open space for the comfort and settling of livestock and serves as a gathering point for all herders in the area. It is built near rangelands, and after daily milking, the produced dairy products are stored inside its enclosed space. Thus, the Gesansereh serves as a temporary, semi-nomadic station for mountain residents, whereas the Telar constitutes the main livestock space in Mazandaran. Its spaces are fully enclosed for winter use, helping livestock prepare for seasonal breeding in a relatively warmer environment.


Keywords: Agricultural Heritage, Pastoral heritage, Angahrood, Telar, Gesansereh




دو فصلنامه علمی دانش‌های بومی ایران
دوره دوازدهم، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ص ۱۸۵-۲۱۲
qjik.atu.ac.ir
DOI: doi.org/10.22054/qjik.2024.78721.1415

تَلار و گِسن سره؛ گونه‌های میراث شبانی در انگه‌رود نور


دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حفاظت و مرمت میراث معماری،
دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

فاطمه رودی * 

استادیار دانشکده معماری شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت،
تهران، ایران

حسین راعی 

استاد دانشکده معماری شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران،
ایران

اصغر محمد مرادی 

چکیده

تنوع اقلیمی در استان مازندران موجب شکل‌گیری فضاهای مرتبط با تولید و بهره‌برداری از دام با ویژگی‌های کالبدی و کارکردی متنوع شده است. گسن سره و تلار دو عنصر فضایی هستند که توسط جوامع محلی در کوهستان مازندران و در روستای انگه‌رود نور مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مسئله تحقیق نیاز به مستندسازی ویژگی‌های معماری و فرهنگی این عناصر است. عواملی چون مهاجرت و تغییر نظام سنتی دامداری به صنعتی موجب شده است که این میراث بومی در حال زوال و فراموشی قرار گیرد. هدف از این مقاله معرفی میراث بومی مرتبط با دامداری است و روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تلار نوع بومی ساختارهای سنتی مرتبط با دام در فصل زمستان است و گسن سره نیز برای دوشیدن شیر گوسفندان و محصولات لبنی در تابستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر یک از آن‌ها دارای تنوع فضایی و معماری ویژه بر اساس عملکردشان هستند و دانش بومی مرتبط با سلامت دام، نظام اجتماعی ویژه و سنت‌های فرهنگی مرتبط با تولید محصول و خوراک محلی نیز در آن‌ها مستتر است. آن‌ها بخشی از میراث شبانی و کشاورزی ایران محسوب می‌شوند و ارتباط معناداری با معیشت جغرافیایی و توسعه پایدار دارند.

واژه‌های کلیدی: میراث کشاورزی، میراث شبانی، انگه‌رود، تلار، گسن سره

مقدمه

دام‌پروری عبارت است از پرورش و مدیریت حیواناتی مانند گوسفند، بز، گاو، اسب و شتر برای غذا، فیبر، شیر و سایر محصولات (Abegaz & Yami, 2015) دامداری هزاران سال است که در اشکال و زمینه‌های مختلف مانند گله‌داری عشایری، گله‌داری روستایی، مراتع جنگلی و مراتع کوهستانی انجام می‌شده است. پرورش دام به‌عنوان یک نظام پایدار معیشتی قرن‌ها در جریان است و در گذشته موجب تأمین اقتصادی و تولید ثروت در جوامع محلی بوده است. نگهداری از دام، هسته اصلی حفظ فرهنگ، در میان دامداران نیمه عشایر جوامع مسلمان بوده است (Ghai, 2021: 3) و شرط لازم نگهداری دام تثبیت محیط و محافظت از دام در برابر شکار و تغییرات آب‌وهوایی بوده است. تا عملکرد بهینه حیوانات در زمینه رشد سلامت و تولیدمثل تأمین گردد (Abegaz & Yami, 2015). مراتع دامی علاوه بر اینکه بخشی از بستر توسعه کشاورزی و دامی در جوامع محسوب می‌شوند در تداوم حیات بسیاری از مجتمع‌های زیستی کوچک و بزرگ نیز مؤثر بوده‌اند (حسین زاده و حیدری، ۲۰۱۳: ۹۵). با توجه به تأثیر مفهوم زمان و پیدایش سنت و فرهنگ در بستر طبیعی و زیستی می‌توان زندگی شبانی و عوامل زمینه‌ساز در توسعه و تثبیت نحوه زیست دام و انسان در جوار یکدیگر را از مهم‌ترین مفاهیم باارزش در میراث فرهنگی (noel & rossler, 2012). موضوع میراث شبانی^۱ به‌عنوان یک کلمه نوظهور در حوزه تخصصی میراث کشاورزی - دامی در حال توسعه و پرداخت است. این مقوله گستردگی موضوعی داشته و بر چند جنبه استوار است (Cormack, 2016: 550). همچنین میراث ناملموس، میراث روستایی و بومی، میراث فرا کالبدی، میراث کالبدی و منظر فرهنگی تاریخی را در برمی‌گیرد.

میراث شبانی اصطلاحی است که برای توصیف میراث فرهنگی، تاریخی و طبیعی دامداری در مناطق مختلف جهان به کار می‌رود (Abegaz & Yami, 2015). چشم‌اندازهای فرهنگی زندگی شبانی و تداعی‌های ناملموس آن که به یادآورنده چوپانی

1. Pastoral heritage

سنتی است، ارتباط نزدیکی با محیط دارد و بر تعامل ظریف بین انسان و مناظر مبتنی است. گستره این مناظر تاریخی نه در یک سازه و محل آرامیدن دام بلکه در یک شبکه به هم پیوسته و منسجم در مراتع دامی تجلی می‌یابد و عناصری مانند؛ راه‌ها؛ گذرها؛ پل؛ کلبه؛ انبار؛ راه‌آب؛ حریم و کانال‌های ارتباطی بین روستایی، چشمه و رودخانه در این حوزه قرار می‌گیرند. مناظر شبانی دارای نظام فرهنگی پیچیده هستند و صورت‌های مختلفی به خود می‌گیرند و در بخش‌های مختلف با کاربردهای متنوعی دیده می‌شوند. بخش مهمی از میراث شبانی به صورت جهانی و نه در ایران مربوط به استفاده از مراتع و جابه‌جایی آن با توجه به تغییرات روزانه و سالانه است (Quai, 2023).

استان مازندران در بخش کوهپایه‌ای، کوهستانی و جلگه‌ای مامن شکل‌گیری پهنه‌های دامی و میراث شبانی بوده و روستای انگه‌رود بخشی از آن است. این روستا به عنوان نمونه مورد مطالعه دارای سه نوع سازه بومی مرتبط با سازه‌های شبانی است که بر اساس فصول سال و ترکیب‌بندی متنوع، کارکردهای متفاوتی یافته است. تلارهای دامی گسن سره^۲ و پل^۳ سازه‌هایی هستند که برای نگهداری و پرورش دام در فصول مختلف سال استفاده می‌شوند (رودی، یادداشت ۱: ۱۴۰۱). این سازه‌ها در گذشته از نظر زیستی و اقتصادی مطلوب بوده و نیازهای دام را در زمینه‌های مختلف مانند گرمایش، تهویه، روشنایی، آب، خوراک، رفاه و تولیدمثل برآورده می‌کردند.

ساختار معماری تلار و گسن سره از لحاظ هندسی و عملکردی دارای تفاوت‌های کارکردی و کالبدی است. هرچند که امروزه حفاظت و نگهداری از این دانش بومی و ساختارهای سنتی روستا کم‌رنگ شده است، اما فراموش نشده و آثاری از آن در سراسر عرصه و حریم روستای مورد بحث وجود دارد. گوسفندان در فصول گرم به درون گسن سره‌های سنگی بر روی تپه‌ها و توده‌های کم ارتفاع می‌روند و در فصل زمستان به حریم کالبدی روستا و تلارهای روستایی بازگردانده می‌شوند. دامداری در این منطقه یک

1. Telar

2. Gesan Sare

3. Pal

نظام کشاورزی گسترده با قدمت چند صدساله است و بر اساس چراگاه‌های نیمه عشایری با اتکا بر کشاورزی و استفاده از منابع طبیعی ساختاربندی شده است. مسئله تحقیق رهاشدگی، ویرانی و گاه نوسازی این سازه‌های بومی در اثر مهاجرت بومیان و تغییر نظام سنتی دامداری به شیوه‌ای نوین و صنعتی است. این مقاله قصد دارد باهدف مستندسازی دانش‌های بومی مستتر در آن‌ها به دو سؤال درباره ویژگی‌های کالبدی و کارکردی گسن سره و تلار و ارتباط آن‌ها با یکدیگر پاسخ دهد؛ بنابراین از روش توصیفی تحلیلی و نمونه‌گیری هدفمند در این مسیر استفاده می‌شود.

پیشینه تحقیق

درباره میراث شبانی و شناخت معماری و سازه‌های بومی مرتبط با آن در این محدوده، پژوهش علمی دیده نشده است؛ اما از نگاه زیست‌شناسی و منابع طبیعی به سنت دامداری منطقه در روستاهای دویلات^۱، چل^۲ و بلده توسط (حقیان و همکاران، ۱۳۹۵) پرداخته شده است. آن‌ها در این پژوهش به تنوع اقلیمی، قومی و قبیله‌ای در نظام دامداری سنتی متکی به مراتع در مناطق مختلف ایران توجه کرده‌اند. در پژوهش دیگری (عبدی، ۲۰۰۳) توسعه اولیه دامداری در رشته‌کوه‌های زاگرس مرکزی را به‌عنوان یک استراتژی انطباق با محیط مرتفع با منابع محدود و پراکنده می‌داند. همچنین با گسترش کشاورزی، مسافتی که گله‌داران تا مراتع طی می‌کرده‌اند را بررسی و در نتیجه، سازمان‌دهی نیروی کار در گله‌داری را مورد اصلاح ارزیابی می‌کند. در ادامه (پاپلی یزدی، ۱۴۰۱) با تمرکز بر شمال خراسان، توصیفی از روابط چوپان و سیستم دانشی دامداران ارائه می‌دهد و نظام دامداری سنتی را وابسته به وجود چوپان ارزیابی می‌کند.

هرچند در پژوهش‌های داخلی کمتر به این موضوع پرداخته می‌شود؛ اما در حوزه بین‌الملل تا حدی به آن توجه شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌هایی هرچند

1. Davilat
2. Chel

تِلار و گِسن سِرِه؛ گونه‌های میراث شبانی در...؛ رودی | ۱۹۱

اندک در دو حوزه نگاه بومی - فرهنگی و زیستی در توصیف میراث شبانی انجام شده است. در سامانه لاروتو^۱ اطلاعاتی تخصصی در زمینه میراث شبانی در منطقه پروونس^۲ فرانسه تا دشت‌های پیمونت^۳ ایتالیا قرار داده شده است (عکس ۱) و این وب‌سایت در بخش‌های مختلفی به منظر فرهنگی و میراث تاریخی در منطقه می‌پردازد (Quai, 2023).



عکس ۱- تصویر راست، جابجایی بزرگ بخشی از میراث پروونس

تصویر چپ، بقایای گوسفندان در تپه‌های کم ارتفاع (Quai, 2023)

(Eriksson, 2011) در مقاله‌ای تحت عنوان "دانش سنتی چوپانی چیست؟ سیاست میراث و "ارزش‌های واقعی" در مزارع تابستانی سوئد" از نظام شبانی به‌عنوان یک سیستم یاد کرده و در مورد این سؤال که چه چیزی را باید سنتی دانست؟ و چه چیزی میراث طبیعی و فرهنگی را تشکیل می‌دهد؟ تلاش مبسوطی انجام می‌دهد، بررسی می‌کند. همچنین با پیگیری کمیته میراث جهانی مناظر کشاورزی - شبانی، سومین نشست کارشناسی این نوع میراث، سازمان‌دهی و از ۱ تا ۵ اکتبر ۲۰۱۲ در مونپلیه و در سایت میراث جهانی برگزار شده است. در این معیشت از سنت دامداری به‌عنوان یک میراث نام برده شده است (noel & rossler, 2012). فیلیپ والینگ^۴ نیز در کتاب شمارش

1 Laroto

2 Provença

3 Piemonte

4 Philip walling

گوسفندان، جشنی از میراث شبانی بریتانیا توصیفاتی در ارتباط با میراث شبانی در کشور بریتانیا ارائه می‌دهد (Walling, 2014). بنجامین آربوکل و امیلی هامر^۱ پژوهشی در مورد ظهور شبانی در خاور نزدیک باستان را مورد مطالعه قرار داده و میراث دامداری در خاور نزدیک از دوران نوسنگی و تا عصر برنز را تشریح می‌کنند (Benjamin S & Hammer, 2019). همچنین پژوهشی تحت عنوان "سیستم کشاورزی شبانی: ایجاد تعادل بین سنت و گذار" (Osano, 2020) توضیح می‌دهد که رشد جمعیت انسانی منجر به کاهش سرانه دام و منابع زمین بوده؛ این در حالی است که میراث شبانی گزینه‌هایی برای توسعه کشاورزی دارد؛ بنابراین مقالات بین‌الملل تا حدی حوزه میراث شبانی را مدنظر قرار داده آن را در زمره میراث کشاورزی می‌پندارند (عکس ۲) اما در ایران با وجود تلاش‌های فراوان هنوز این حوزه از نظر میراث فرهنگی، مفعول مانده است و این مقاله سعی دارد با نگاه به ویژگی‌های کالبدی و کارکردی این آثار در منطقه مورد مطالعه، آن‌ها را معرفی نماید.



عکس ۲- نمونه مشابه سازه‌های شبانی در مدیترانه (Phillips, 2011)

1. Benjamin Arbuckle; Emily Hammer

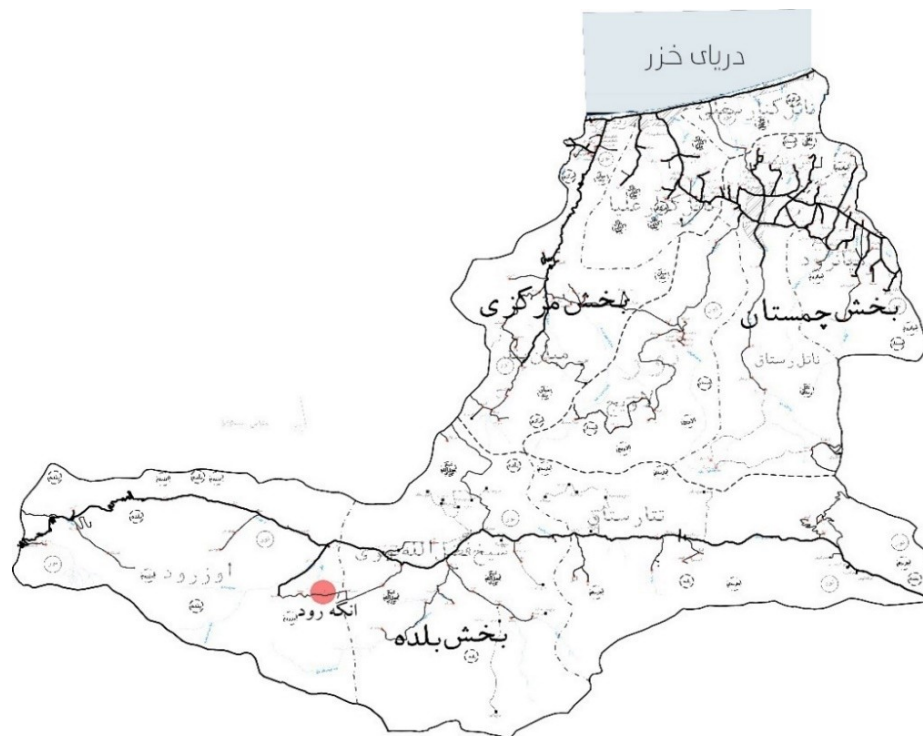
روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی است و از شیوه نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب فضاهای مورد مطالعه استفاده شده است. داده‌های تحقیق از طریق مشاهده میدانی، مصاحبه و سند پژوهش جمع‌آوری شده‌اند. نمونه‌های متنوعی از تَلار و گَسَن سِرِه برداشت شده و پلان و نماهای آن‌ها ترسیم گردید در ارائه کارکرد تضادها بررسی مصاحبه و سند پژوهشی مورد مطالعه قرار گرفت. سپس بر اساس فضاهای موجود گونه‌بندی شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

موقعیت جغرافیایی انگه‌رود

منطقه بلده نور با نام اولیه دربندک (نوری، ۱۳۸۳) در حوزه آبخیزداری نور قرار گرفته و دارای روستاهای متعدد و استمرار دامداری در طول سال است. مساحت بلده ۹۲۰۰۰ هکتار است و جمعیت چوپان‌های ساکن روستا حدود ۲۰۰۰ نفر است (حیدری و بارانی، ۱۳۸۸:۸۲۴). روستای انگه‌رود در جنوب غربی شهرستان نور واقع شده است (ستوده، ۱۳۷۵:۲۶۸). این روستا دارای آب و هوای سرد و کوهستانی است و مردم آن از قوم طبری هستند (اشرفی و کیوانی، ۱۳۹۹:۲۵۲). مردم انگه‌رود به زبان طبری و گویش کجوری سخن می‌گویند (اشرفی، ۱۳۷۷:۳۱). این روستا از طریق جاده بین دو ده پیچده^۱ و خجیرکلا^۲ واقع شده است و از شمال به روستای اوزکلا و از جنوب شرقی به روستای بَظاهرکلا مرتبط می‌شود (عکس ۳) (طاهباز، ۱۳۶۲:۳). جمعیت بومی روستا را می‌توان بین ۱۵-۲۰ خانوار تخمین زد.

1. Pichdeh
2. khejirkala



عکس ۳- موقعیت روستای انگه رود و منطقه بلده نور در بخش نور مازندران

فضاهای معمارانه میراث شبانی

دامداران در استفاده از مراتع دارای مهارت‌هایی هستند که نتیجه تجارب و دانش بومی آن‌ها به صورت موروثی است. توانایی هدایت و ذخیره منابع آب، استفاده و کاهش هدررفت آب، استفاده از فضولات دام به عنوان سوخت محیطی و به کار بردن مصالح بوم‌آورد در ساخت سازه از جمله توانایی‌های روستائیان دامدار است (بذرافشان و طولابی نژاد، ۱۳۹۵:۱۶۵-۱۸۷). دام در اصل نوعی واسطه بین انسان و محیط او است و همین رابطه باعث شده که ناسازگاری در نحوه بهره‌برداری از زمین توسط انسان به شکلی مسالمت‌آمیز به سازگاری تبدیل شود (کوچکی و سفیدبخت، ۱۳۹۸:۲۷). منطقه بلده نور و روستای انگه‌رود که در بخش اوزرود این منطقه قرار دارد به دلیل دارا بودن نظام دامداری سنتی و

تَلار و گِسن سِرِه؛ گونه‌های میراث شبانی در...؛ رودی | ۱۹۵

فصلی از اهمیت معماری و فرهنگی برخوردار است (زارع و موسوی بلده‌ای، ۱۳۹۳). اقلیم این منطقه کوهستانی و سرد است و مردمان این منطقه کوچ‌گرانی عمودی هستند که در کنار چراگاه‌گردی و دامداری به کشاورزی می‌پردازند و می‌توان آن‌ها را گله‌داران کشاورز نیمه عشایر نامید (شریفی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۱). ارتفاع یکی از عوامل مهم شکل‌گیری این زیست‌بوم بوده است و نظام سنتی دامداری در این مناطق به سه قسمت تقسیم می‌شود: مراتع زمستانی، مراتع تابستانی و مراتع میان‌بندی^۱ (بارانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۱۹). بر همین اساس ساختارهای آن دارای سه گونه معماری است که با توجه به موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، جنس مصالح و نوع سازه مورد استفاده، متفاوت هستند. این سه گونه معماری عبارت‌اند از:

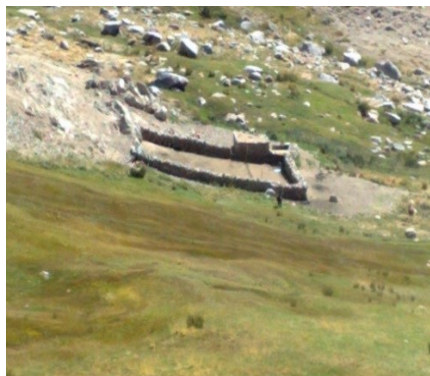
الف) گسن‌سره‌های تابستانی به صورت روباز برای دام و بخش سرپوشیده برای شبان که در فصل تابستان مورد استفاده قرار می‌گیرند (عکس ۴) و در این منطقه^۲ با مصالح بوم‌آورد و سنگ رودخانه‌ای گسترش یافته است.

ب) تَلارهای زمستانی با سنگ رودخانه‌ای و به صورت سرپوشیده برای فصل زمستان مورد استفاده قرار می‌گیرد (عکس ۵). فضای داخلی تَلار دامی با ستون‌های چوبی و مصالح بومی در پایین دست روستا و در مناطق آفتاب‌گیر ساخته می‌شود و کاملاً سرپوشیده است.

پ) پل‌های موقت دامی برای فصول میان‌بندی در بهار و پاییز مورد استفاده قرار می‌گیرد. پل‌ها در روز کاربرد چراگاهی و استراحت داشته و در شب بلا استفاده هستند (عکس ۶). این سازه‌ها همچنین دارای عناصر کارکردی متفاوت دیگری نیز هستند که با توجه به نیازهای مردم در فصول سال و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی آن‌ها تعیین می‌شوند.

۱- در پاییز پیش قبل از عزیمت مراتع بیلاقی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- نسن نام یکی از روستاهای منطقه اوزرود



عکس ۴- نمونه بومی گسن سره دامی روستای نسن (نویسندگان، ۱۴۰۲)



عکس ۵- نمونه تالار روستای اوزکلا (نویسندگان، ۱۴۰۲).



عکس ۶- نمونه بومی پل روستای انگه رود (نویسندگان، ۱۴۰۲)

۱- تَلار

کلمه تَلار در زبان طبری به محل نگهداری دام اطلاق می‌گردد ۲ و بر روی بام آن علفه خشک نگهداری می‌شود. مازندران دارای چند نوع آب‌وهوای متفاوت است. بخش مجاور حاره، بخش معتدل و معتدل سرد (داوودی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۵) در مناطق دشتی یا معتدل مازندران، تَلار با چوب^۱ ساخته می‌شود اما در منطقه مورد مطالعه و روستای انگه‌رود که دارای آب‌وهوای سرد است، استفاده از سنگ‌های لاشه محلی و رودخانه‌ای مرسوم است.

۱-۱- بررسی کالبدی تَلار

خانه‌های روستای انگه‌رود عموماً به صورت بومی با استفاده از خشت خام، سنگ محلی و چوب ساخته می‌شود. دیوارها نقش حمال را با تحمل بار ستون چوبی بر عهده دارند (راشدی‌نیا، ۱۴۰۱). خانه‌دارای چند اتاق مجزا است و از ایوان برای دسترسی به کلیه بخش‌ها استفاده می‌شود. ایوان نیز در تمامی خانه‌های روستا در جبهه جنوبی قرار گرفته تا به سمت منظر طبیعی دید داشته باشد. تَلار نیز از معماری خانه‌های بومی تبعیت می‌کند، چه از نظر مصالح و چه از نظر شیوه ساخت و نیارش، اما دارای تفاوت کالبدی و کارکردی با خانه‌هاست. فضای داخلی تَلار از باقی بزرگ‌تر است و برای استقرار گوسفندهای زایبج، ورکا و قصری به کار می‌رود. این بخش با استفاده از بدنه درختان تنومند شکل می‌گیرد و به آن دایله^۲ می‌گویند. سطح‌رویی دایله‌ها با تیرهایی چوبی پوشانده می‌شود و به آن دایله سرایگن^۳ گویند، بخش ورودی تَلار حدود نیم متر از باقی قسمت‌های تَلار بلندتر است که به آن جیمیکا^۴ گویند و هدف از ساخت آن ایجاد دید شبان به دام است. هر چهار طرف بخش داخلی تَلار دارای مخزن گاه برای خوراک دام است و با استفاده از سنگ و تیرهای

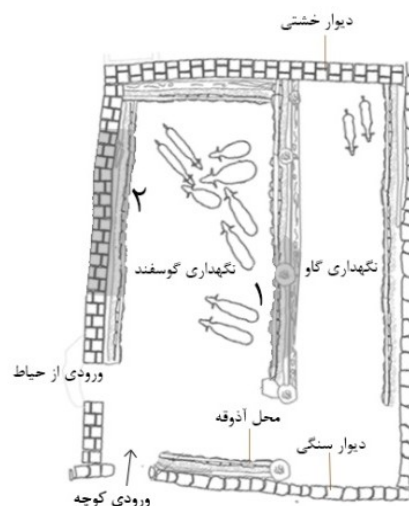
۱- نام محلی آن علاوه بر تَلار، گالش منزل نیز می‌باشد.

۲- ستون چوبی در گویش طبری

۳- تیر چوبی پوشاننده بر ستون‌ها

۴- بخش تقسیم‌کننده ارتفاعی در تَلارهای روستا که کارکرد دیده‌بانی دارد

چوبی ساخته شده است. به دلیل وجود سرما در فصل زمستان پنجره‌های بزرگی وجود نداشته و چند پنجره کوچک در دیوار و پوشش قرار دارد که به آن‌ها وردریجه و سردریجه^۱ گفته می‌شود (عکس ۹) همچنین دارای طاقچه‌های داخلی نیز است (عکس ۱۰). کف پوش فضای داخلی در همه قسمت‌ها از گاه و فضولات پوشانده شده تا دام بر سطح سفت قرار نداشته باشد. تقسیم‌کننده میان بخش‌های داخلی با تخته چوب است.



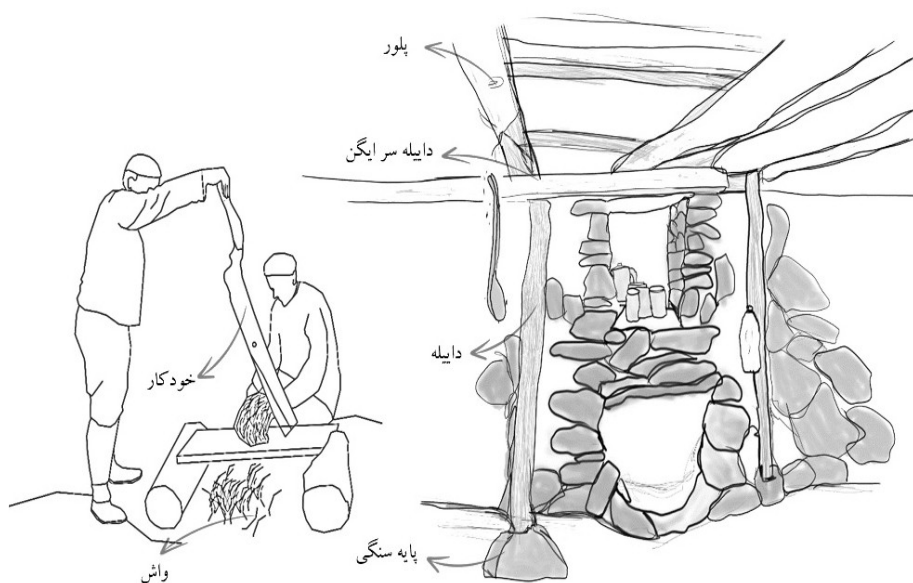
عکس ۷- بزرگنمایی بخش داخلی تالار با جزئیات بومی آن (نویسندگان، ۱۴۰۲)

تقسیم‌کننده‌های چوبی اسطبل را از بخش ورودی جدا می‌کند. پوشش این بخش نیز مانند باقی قسمت‌ها چوبی است. حوضچه آب در ورودی قرار دارد و محل انباشت آبی است که از چشمه‌های اطراف به این تالار سرازیر می‌شود. علاوه بر آن بر روی پوشش تالار

۱- اصطلاح عامیه در ریچه در گویش طبری

تَلار و گِسنِ سره؛ گونه‌های میراث شبانی در...؛ رودی | ۱۹۹

و در حیاط خانه با توجه به ساختار پلکانی روستا واش کفا قرار دارد. علوفه در فصل بهار و تابستان از مراتع پایین دست جمع‌آوری و دسته‌بندی می‌شود. دسته‌ها به صورت هرمی بر روی هم قرار گرفته و تشکیل واش کفا می‌دهند. واش‌ها به وسیله دستگاه‌های مکانیکی به نام خودکار بریده می‌شوند که به آن واش‌انجن^۱ می‌گویند (راشدی‌نیا، ۱۴۰۱: یادداشت ۳).



عکس ۸- تصویر چپ استفاده از خودکار برای خرد کردن واش‌ها و عملیات واش‌انجن (نویسندگان، ۱۴۰۲)

۱-۲- بررسی کارکردی تَلار

تَلارهای کوهستانی انگرود با توجه به موقعیت آب‌وهوایی سرد و خشک آن در جوار خانه‌های روستایی شکل‌گرفته و در فصل زمستان مورد استفاده قرار می‌گیرند (راشدی‌نیا، ۱۴۰۱: یادداشت ۳) (عکس ۷). این سازه‌ها در وضع موجود مربوط به دوره

قاجار و پهلوی هستند. اما تعیین قدمت دقیق آن‌ها نیازمند مطالعات عمیق‌تری است. مصالح مورد استفاده غالباً بوم‌آورد بوده و از جنس لاشه‌سنگ، چوب و گل است (عکس ۸). مردم روستا برای حفاظت از دام در مقابل سرما، سلامت دام و تداوم تولیدمثل از این ساختار بومی بهره می‌برند (رودی، ۱۴۰۲: یادداشت ۲). تلارها دارای بخش‌ها و کاربری‌های متنوعی هستند که برحسب کارکرد توزیع شده‌اند و هر یک وظیفه‌ای را به دوش می‌کشند:

- گوسفند زاییج^۱: محل نگهداری دام‌های ماده باردار و شیرده و تولیدمثل آن‌ها در فصل زمستان است.

- ورکا^۲: برای نگهداری دام‌های یک‌ساله و کوچک‌تر و رشد و توسعه آن‌ها استفاده می‌شود (رودی، ۱۴۰۱: یادداشت ۱).

- قصری^۳: محل نگهداری دام‌های نر و ماده بدون فرزند و افزایش وزن و تولید گوشت آن‌ها است (رودی، ۱۴۰۲: یادداشت ۲).

- اسطبل: برای نگهداری از اسب و الاغ

- انبار: بام تلار که برای نگهداری واکس کفا و منابع غذایی دام مورد استفاده قرار

می‌گیرد.

- بخش ورودی: برای تأمین آب موردنیاز و نگهداری از ابزار

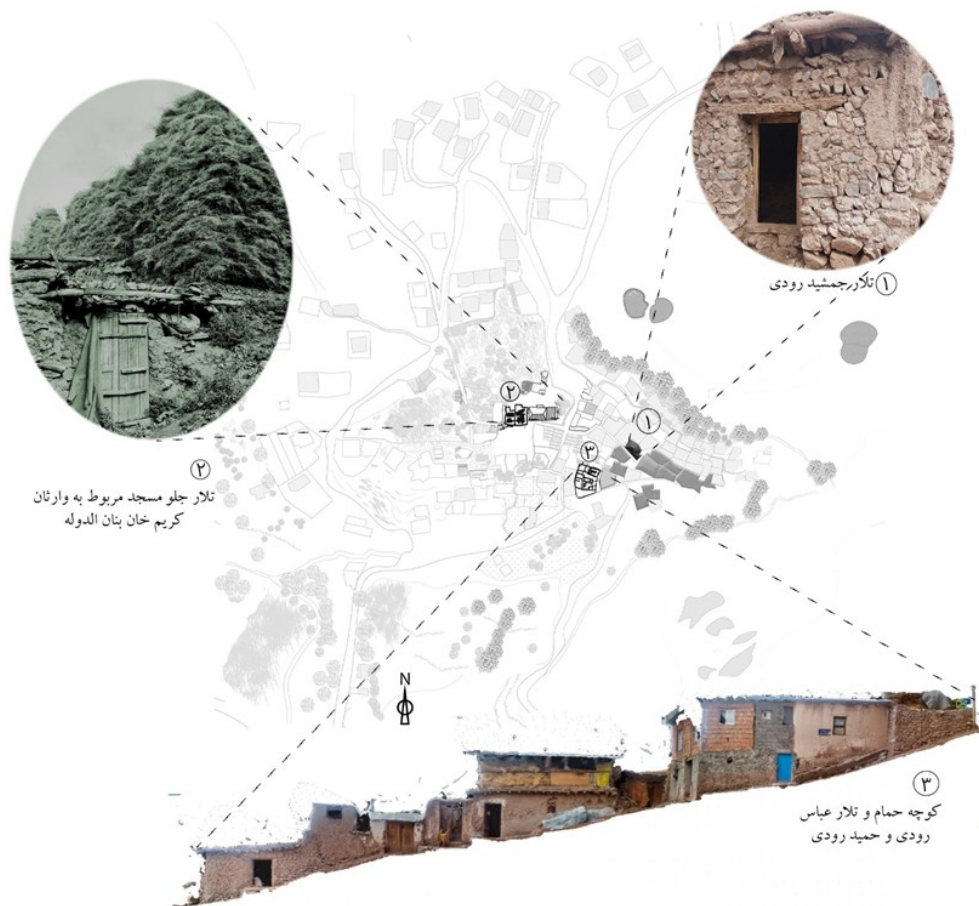
- خنه: برای زندگی چوپان و خانواده‌اش مورد استفاده است.

۱- گوسفندی که دارای بره بوده و یا زاینده است.

۲- به بره زیر یکسال می‌گویند.

۳- به گوسفند و بز نر گفته می‌شود.

تَلار و گِسنِ سره؛ گونه‌های میراث شبانی در...؛ رودی | ۲۰۱



عکس ۹- پراکندگی موقعیت تَلار در نقشه روستای انگه‌رود (نویسندگان، ۱۴۰۲)

گاوها به دلیل برخورداری از جثه بزرگ‌تر در این منطقه که پوشش گیاهی ناچیزی دارد، نگهداری نمی‌شوند؛ اما در صورت وجود، بخشی از تَلار به نگهداری از گاو اختصاص می‌یابد که گالش سر^۱ نام دارد. در بخش ورودی، حوضچه آب، شیر آب و ابزارآلات موردنیاز نگهداری می‌شود و سگ که نقش حفاظتی گله را بر عهده دارد در بخش ورودی می‌ماند.

1. Galesh sar

۲- گسن سره

گسن سره از دو بخش گسن به معنی گوسفند و سره به معنای خانه تشکیل شده است و در واقع گسن سره علاوه بر فضای مسطح و پوشش گیاهی مطلوب، دسترسی مناسب به چشمه و آب داشته است. استفاده از گسن سره در اواخر بهار آغاز^۱ و تا اواخر تابستان ادامه دارد. این نوع سازه دامی مربوط به کل مازندران نبوده و مورداستفاده شبانان کوهستان‌های دره بلده نور، لاریجان و طالقان است. البته در استفاده از اسامی و ساختار کالبدی اندکی تفاوت مشاهده می‌شود.

۲-۱- بررسی کالبدی گسن سره

مصالح مورداستفاده در گسن سره عموماً از سنگ رودخانه‌ای با ملاط گل و یا به‌صورت خشکه‌چین است. در صورت نیاز به نسبت وسعت فضای داخلی از ستون‌های چوبی با نام پلور استفاده می‌شود (شکل ۱۲)، درایوان یک فضای ورودی برای شیردوشی قرار دارد که با سنگ در آن تقسیم‌بندی فضایی شکل گرفته است؛ اما از یک سو کاملاً آزاد است تا گوسفندان به راحتی بتوانند از فضای ایوان خارج شده و به استنگاه هدایت شوند (عکس ۱۲). استنگاه نیز دارای دیوار سنگی و در برخی موارد پرچین بوده و دارای یک بخش ورودی است، کف این بخش به دلیل استقرار دام در این نقطه از کاه، گون و فضولات دامی پوشانده شده و به‌صورت کاملاً روباز ساخته شده است.

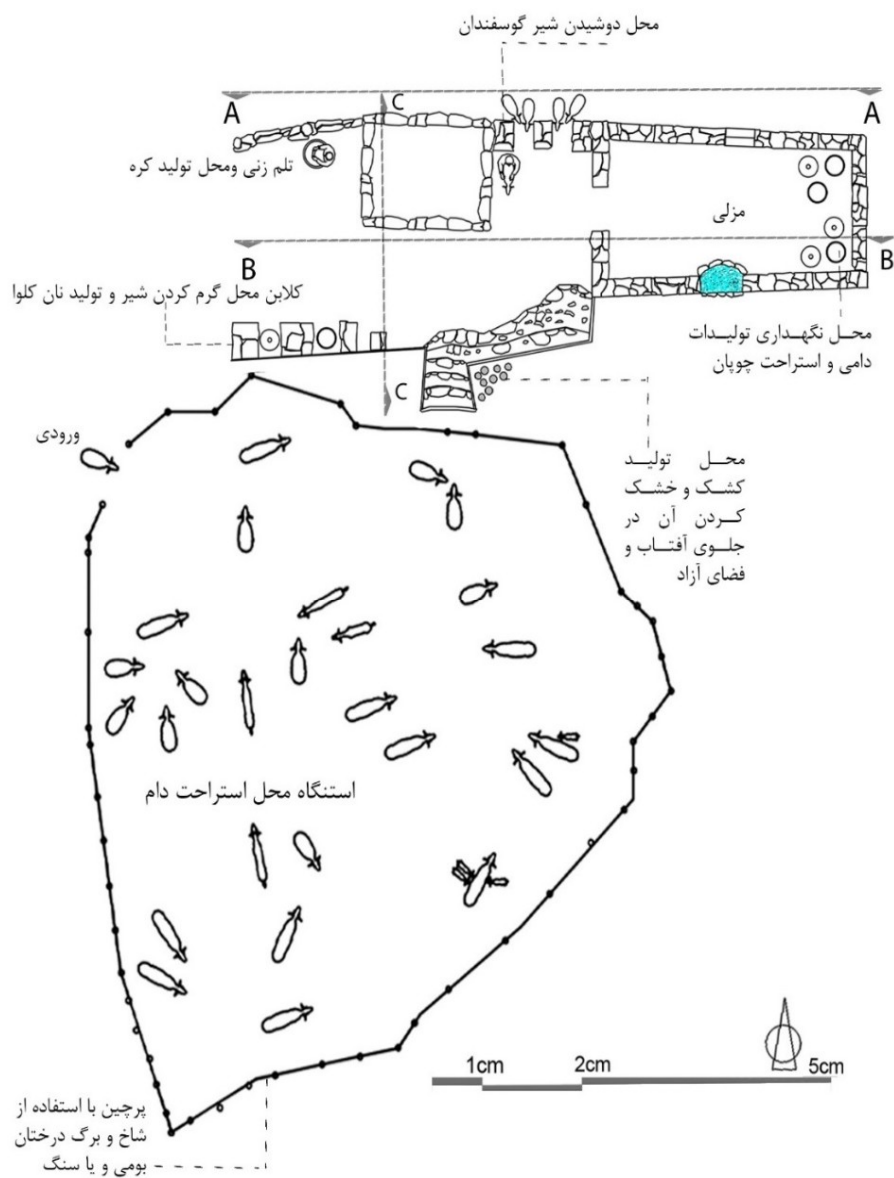
۲-۲- بررسی کارکردی گسن سره^۲

گسن سره عموماً در ارتفاعات برای دوران شیردهی گوسفندان و چرای مرتعی آن‌ها مورداستفاده قرار می‌گیرد (عکس ۱۱). تقسیم‌بندی فضایی و کارکردی گسن سره به شرح ذیل است (مرادی، ۱۴۰۲: یادداشت ۴):

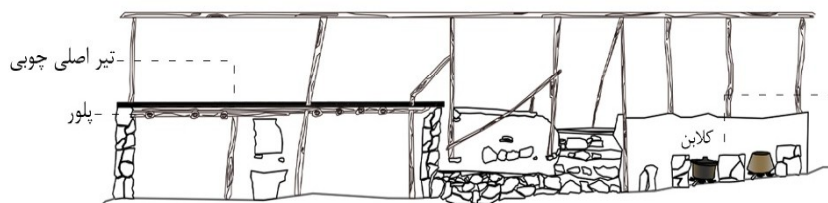
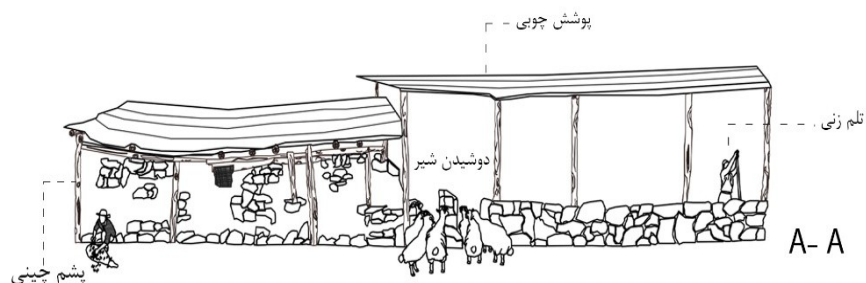
۱- شیردوشی بهاره که بعد از مراسم عیار آغاز می‌شود

۲- تزارهای روستای انگرود با نام‌های کرس، آغل و کیمه شناخته می‌شود که دارای گستره فضایی متفاوت هستند.

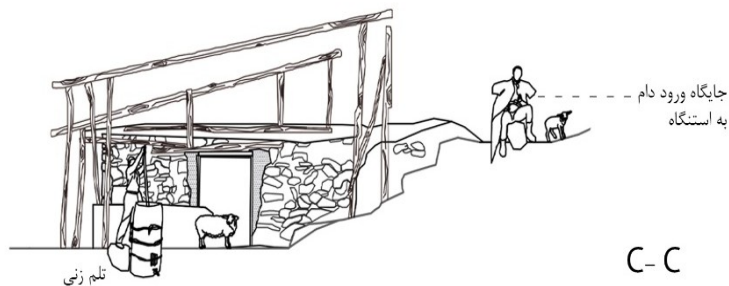
- استنگاه^۱: این فضا بدون پوشش دارای دیوارچینی است و برای استراحت دام در شبانه‌روز مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ایوان: برای تولید محصولات و استراحت روزانه شبانان و اشراف به دام ساخته شده است.
- مزلی^۲: بخش سرپوشیده برای استراحت شبانان در شبانگاه بوده و همچنین تولیدات دامی در این بخش نگهداری می‌شود.
- محل دوشیدن شیر: این بخش جایگاه دوشیدن گوسفندان پس از چرا است و به‌طور معمول از ترکیب چندین نشیمن سنگی و مسیری برای تردد و دسترسی به گوسفندان تشکیل می‌شود.
- کلابن^۳: بخشی از ایوان که دارای اجاق بوده و برای تولید محصولات و گرم کردن شیر استفاده می‌شود.



شکل ۱۱- گردش فضایی و مبلمان کارکردی گسن سره (نویسندگان، ۱۴۰۲)



بخش داخلی و
سر پوشیده
برای استراحت
شبان و انبار
محصولات دامی



عکس ۱۲- بررسی ساختار گسن سره و چیدمان محیطی آن (نویسندگان، ۱۴۰۲)

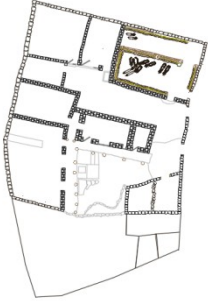
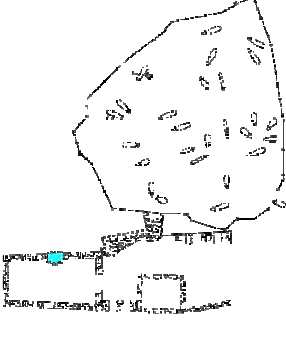
بحث و نتیجه‌گیری

گسن سره و تالار دو عنصر مهم در میراث شبانی بلده نور بوده که نشان‌دهنده همسازی با اقلیم و فرهنگ منطقه هستند، گرچه هر دو ساختار دارای تشابه کارکردی و کالبدی هستند؛ اما با بررسی دقیق‌تر اصول شکل‌گیری و تفاوت‌های کارکردی - کالبدی آن‌ها

تَلار و گِسن سره؛ گونه‌های میراث شبانی در...؛ رودی | ۲۰۷

نمایان می‌گردد. این دو عنصر با ایجاد فضایی اختصاصی برای نگهداری، پرورش، بهره‌برداری و پایش دام نقش مهمی در خودبسندگی و انطباق با طبیعت و محیط پیرامون دارد. همچنین بیانگر شیوه زندگی و فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی مردم مازندران هستند که قرن‌ها بر پایه کشاورزی و دامداری استوار بوده است.

جدول ۱- تحلیل کالبدی و کارکردی گسن سره و تَلار (نویسندگان، ۱۴۰۲)

معیارها	تَلار	گسن سره
نقشه‌ها		
هندسه فضایی	کاملاً بسته	باز - نیمه‌باز - بسته
فصول استفاده	زمستان	بهار و تابستان
ویژگی کارکردی	استقرار - زادوولد	استقرار - تولید
محل قرارگیری	روستا و در جوار خانه‌ها	در ارتفاعات و بافاصله از روستا
تقسیم‌بندی دامی	دارد	ندارد
مصالح	سنگ، خشت، گچ، چوب، کاه و الوار	سنگ، گل، چوب
گستره جغرافیایی	مناطق جلگه‌ای و کوهستانی مازندران	مناطق کوهستانی مازندران
تأمین آذوقه	استفاده از انبار واش کفا	استفاده از عرصه و مرتع
تأمین آب	رودخانه و چشمه	رودخانه و چشمه
نظام نگهداری	شخصی (به صورت فردی)	گله‌ای و متمرکز برای اهالی روستا

تلار نوعی ساختار با چیدمان خشت و سنگ بوده و برای نگهداری دام در ایام سرد سال به‌ویژه فصل زمستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. گسن سره نوعی ساختار شبانی با سنگ است که برای تابستان و فصول گرم سال استفاده می‌شود. با توجه به کارکرد محیطی، گسن سره فضای نیمه‌بازی را برای آسایش و استقرار دام دارا است و محل جمع‌آوری دام همه دامداران منطقه محسوب می‌شود. گسن سره در کنار مراتع ساخته می‌شود و پس از شیردوشی روزانه و عیار روز محصولات لبنی تولیدشده در فضای بسته گسن سره دپو می‌شود؛ بنابراین گسن سره جایگاه موقت و نیمه‌عشایری برای ساکنین کوهستان دارد، اما تلار بخش اصلی فضاهای دامی در مازندران است؛ و فضاهای آن به‌منظور استفاده زمستان کاملاً سرپوشیده بوده و به دام کمک می‌کند تا آماده باروری فصلی در فضای به نسبت گرم‌تر شود (جدول ۱).

موارد یادشده که بخشی از فنون ساخت و دانش بومی مرتبط با معماری منطقه است، در کنار سنت‌های موجود در زمینه سلامت دام و شبان یا رویدادهای مرتبط با شبانی، هرم اجتماعی موجود در تلارها و گسن سره‌ها، شیوه‌های تولید محصولات و خوراک محلی و موارد دیگری بخشی از میراث شبانی این منطقه را تشکیل داده است. این معیشت‌ها می‌بایست مستندسازی و مستندنگاری شوند و در فهرست آثار ملی کشور در دو بخش میراث ملموس و ناملموس به ثبت برسند. با ثبت این نوع ساختار، مردم تشویق می‌شوند که در کنار دولت از این میراث حفاظت کنند. بدین‌وسیله بخش مهمی از میراث کشاورزی و شبانی حفاظت می‌گردد، همچنین با ارتقای سطح آگاهی و احترام به دانش‌های بومی مستتر در آن، می‌توان گردشگری شبانی را تقویت نمود و به توسعه پایدار بر پایه معیشت جغرافیایی توجه نمود.

در پژوهش‌های آینده در حوزه میراث شبانی منطقه بلده نور، پژوهشگران می‌توانند بر روی شناسایی و مستندسازی دقیق‌تر ساختار میراث شبانی و نظام فرهنگی، کالبدی دره بلده نور متمرکز شوند. آن‌ها می‌توانند به شناسایی انواع ساختار خدماتی و تولیدی، تحلیل بخش فرهنگی در حال زوال برای درک بهتر الگوهای استفاده از زمین و تغییرات

تَلار و گِسَن سِرِه؛ گونه‌های میراث شبانی در...؛ رودی | ۲۰۹

اکولوژیکی در طول زمان توجه نمایند. همچنین، می‌بایست تلاش گردد تا با جمع‌آوری شواهد مردم‌شناختی و تاریخی، ارتباط بین میراث شبانی و هویت فرهنگی جوامع محلی بیشتر مورد کاوش قرار گیرد. این پژوهش‌ها می‌توانند به حفظ و احیای این میراث کمک کنند و درعین حال، زمینه‌ساز درک عمیق‌تری از تاریخ و فرهنگ منطقه بلده نور شوند.

Orcid

Fatemeh Roudi



<http://orcid.org/0009-0006-6430-483>

Hosein Raie



<http://orcid.org/0000-0002-1914-793X>

Asghar Mohammad Moradi



<http://orcid.org/0000-0002-3912-1454>

منابع

- اشرفی، جهانگیر. (۱۳۷۷)، واژه نامه بزرگ طبری، درج. اول، تهران: اندیشه پرداز و خانه سبز.
- اشرفی، جهانگیر و شجاع کیوانی، جعفر. (۱۳۹۹). دانشنامه طبرستان و مازندران، جلد سوم، تهران: نشر نی.
- محدث نوری، میرزا حسین. (۱۳۸۳)، تحقیقی در نام‌گذاری منطقه نور و بلده. تهران: نوید نور.
- بارانی، حسین. (۱۳۸۲)، بررسی-الگوهای مکانی و زمانی چرا در البرز شرقی. کرج: دانشکده منابع طبیعی.
- بارانی، حسین؛ مهربانی، علی‌اکبر؛ فرهادی، مرتضی و مقدم، محمدرضا. (۱۳۸۲)، بررسی الگوی مکانی و زمانی چرا در البرز شرقی. مجله منابع طبیعی ایران، جلد ۵۶ شماره ۱ و ۲: ۱۲۲
- بذرافشان، جواد و طالبی‌نژاد، مهرشاد. (۱۳۹۵)، اثرات دانش بومی بر توسعه دهستان میانکوه شرقی با تأکید بر اقتصاد دامداری. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۵ شماره ۱۸: ۱۶۵-۱۸۷.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۴۰۱)، زمستان). چوپان: روابط بین چوپان و مالکان در شمال خراسان. دو فصلنامه علمی دانش‌های بومی ایران، دوره نهم، شماره ۱۸: ۱-۳۴
- حسین‌زاده، عسگری. حیدری، قدرت‌الله. (۱۳۹۵). ارزیابی اثرات مسائل اجتماعی و اقتصادی بر انسجام اجتماعی عشایر (مطالعه موردی: عشایر ایل شاهسون دامنه‌های کوه سبلان). مرتع و آبخیزداری مجله منابع طبیعی ایران، دوره ۶۹ شماره ۴: ۸۵۱-۸۶۱
- حقیان، امین. حشمتی، غلامعلی. (۱۳۹۵). مطالعه نظام دامداری سنتی متکی به عرصه مرتع در جوامع روستایی در روستاهای هدف منطقه بلده نور استان مازندران. فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد سوم، شماره ۴: ۴۹۷-۵۰۸.
- حیدری، قدرت‌الله. حشمتی، غلامعلی. بارانی، حسینی. قربانی، جهانگیر. (۱۳۹۵). بررسی کارایی انرژی در گوسفند نژادزل تحت نظام دامداری سنتی متکی به مرتع (مطالعه موردی: بلده نور). پژوهش‌های تولیدات دامی، سال هفتم، شماره ۱۳: ۱۱۷.

تَلار و گِسن سِرِه؛ گونه‌های میراث شبانی در...؛ رودی | ۲۱۱

- حیدری، قدرت الله و بارانی، حسین. (۱۳۸۸). نقش ثروت اجتماعی بر مشارکت در اجرای طرح‌های پاستوریزه سازی بر اساس دیدگاه متقاضیان آن‌ها (مطالعه موردی مرتع بلده). مجله مرتع، دوره ۳ شماره ۱: ۱۳۷-۱۲۱

- داوودی، محمود. بای، ناصر. ابراهیمی، امید. (۱۳۹۲). طبقه‌بندی اقلیمی استان مازندران بر اساس روش لیتین اسکی. فصلنامه علمی پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره ۲۲ شماره ۸۸: ۱۰۵-۱۰۰.

- رزم‌آرا، حسینعلی. (۱۳۳۲). فرهنگ جغرافیایی ایران. تهران: دایره جغرافیایی ستاد ارتش

- زارع، مهدی. موسوی بلده‌ای، زینب. (۱۳۹۳). از بلده نور چه میدانیم. تهران: فراروی.

- ستوده، منوچهر. (۱۳۷۵). از آستارا تا استرآباد. تهران: نشر آگاه.

- شریفی‌نیا، اکبر. محمدی فر، یعقوب. همتی، اسماعیل. (۱۳۹۹). الگوهای معیشتی ساسانیان در شهرستان دره شهر. فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال سی‌ام، شماره ۴۸: ۱۵۳-۱۸۰.

- طاهباز، سیروس. (۱۳۶۲). یوش. انتشارات دانشگاه تهران.

- کوچکی، علیرضا و سفیدبخت، نصرالله. (۱۳۹۸). نظام‌های زراعی و دامی در ایران. دوفصلنامه پژوهش‌های راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی، دوره ۴: شماره ۱.

- Abegaz, s, and Yami, A. (2009). Shelters and Housing for Sheep and Goats. *Most Loved Workplace*, 3.

- Cormack, Z. (2016). The promotion of pastoralist heritage and alternative 'visions' for the future of Northern Kenya. *Journal of Eastern African Studies* Volume 10 - Issue 3, pp. 548-567.

- Abdi, K. (2003). The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains. *Journal of World Prehistory* Volume 17, pp. 395-448.

- Benjamin S, A., & Hammer, E. (2019). The Rise of Pastoralism in the Ancient Near East. *Journal of Archaeological Research* Volume 27, pp. 391-449.

- Eriksson, C. (2011). *What is traditional pastoral farming? The politics of heritage and 'real values' in Swedish summer farms (fäbodbruk)*. Article number: 25.

- Ghai, R. (2021). Understanding 'culture' of pastoralism and modern development' in Thar: *Muslim pastoralists of north-west Rajasthan, India*. Ghai Pastoralism: Research, Policy and Practice.

- Noel, M., & Rossler, M. (2012). *Global Strategy: Support to agro-pastoral cultural landscapes*. Retrieved from <https://whc.unesco.org/>.

- Osano, P. (2020). *The pastoral farming system: Balancing between tradition and transition*. In *Farming systems and food security in Africa – Priorities for science and policy under global change* (pp. 318-353).
- Quai. (2023). From larouto. Retrieved from *Provence to Piedmont* <https://larouto-eu>.
- Walling, p. (2014). *Counting Sheep: A Celebration of the Pastoral Heritage of Britain*. Britain

جدول مصاحبه‌شوندگان					
سن	نوع سکونت	سال مصاحبه	نقش اجتماعی	نام	ردیف یادداشت
۵۲	موقت	۱۴۰۱	عضو شورای روستای انگرود	جواد رودی	۱
۸۱	دائمی	۱۴۰۲	چوپان و گله‌دار روستای انگه رود	حمید رودی	۲
۸۷	موقت	۱۴۰۱	ساکن روستا	علی راشدی نیا	۳
۳۲	دائمی	۱۴۰۲	چوپان و گله‌دار روستای ایل	میثم مرادی	۴

استناد به این مقاله: رودی، فاطمه؛ راعی، حسین و محمد مرادی، اصغر. (۱۴۰۴). تِلار و گِسن سیره؛ گونه‌های میراث شبانی در انگه رود نور. دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۱۲(۲۳)، ۱۸۵-۲۱۲.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.